

غزل شماره ۴۲۲

ای که با سلسله زلف دراز آمده ای
فرست باد که دیوانه نواز آمده ای

ساعتی نماز مفرما و بگردان عادت
چون به پرسیدن ارباب نیاز آمده ای

پیش بالای تو میرم چه به صلح و چه به جنگ
چون به هر حال براننده نماز آمده ای

آب و آتش به هم آمیخته‌ای از لب لعل
چشم بد دور که بس شعبده باز آمده‌ای

آفرین بر دل نرم تو که از بهر ثواب
کشته غمزه خود را به نماز آمده‌ای

زهد من با تو چه سنج که به بیغمای دلم
مست و آشفته به خلونکه راز آمده‌ای

گفت حافظ دگر ت خرقه شراب آلوده‌ست
مگر از مذهب این طایفه باز آمده‌ای

تفسیر فال

آفرین بر شما که هر کاری را با نیتی خالص و برای کسب ثواب انجام می‌دهید، حتی اگر این کار تنها نیت کردن در دل باشد. شما به‌راستی هیچ لذتی را بالاتر از خواندن نماز نمی‌دانید و این نشان از عمق ایمان و عشق شما به عبادت دارد. صبر و شکیبایی شما نیز ستودنی است؛ زیرا با همه افراد، چه نزدیکان و چه دوریان، به خوبی کنار می‌آیید و همواره قابلیت سازگاری خود را نشان می‌دهید. همچنین قابل توجه است که هیچ نیازمندی خود را جز به خداوند متعال بیان نکرده‌اید، که این خود نشانه‌ای از توکل و اعتماد عمیق شما به قدرت الهی است. در مورد رازها و آرزوهای قلبی‌تان نیز توصیه می‌شود آن‌ها را فقط در دل نگه دارید و به کسی نگوئید، چرا که ممکن است هدف نزدیک‌تر و مرادتان در مسیر تحقق باشد و حفظ رازها باعث تسریع در رسیدن به آن‌ها خواهد شد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)